

همایش ملی مطالعات و پژوهش های علمی علوم انسانی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار با حمایت معنوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه
سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۴۸۵۳-۷۸۸۶۴
سال برگزاری همایش: ۱۳۹۷ شماره مقاله: ۹۴۵/۶۶۰ رده بندی کنگره: ر ۹۳۳/۲

بررسی حقوقی مبانی ایجاد تعهد در قانون مدنی

محمد جاسمی زرگانی

چکیده

تعهد و روابط حقوقی ناشی از آن هم از نظر عملی و هم از لحاظ علمی دارای اهمیت است، از نظر عملی تعهدات مبنای معاملات روزانه و روابط تجاری کلیه شرکت های تجاری و شخصیت های حقوقی است که با انعقاد قراردادهای بی شمار مرتبا و متقابلا متعهد می شوند به همین دلیل حقوق تعهدات باید جوابگوی شرایط زندگی اقتصادی و نیازهای نوین اقتصادی باشد. از لحاظ علمی همان گونه که تارد عقیده دارد «موقعیت نظریه کلی تعهدات در رویه قضایی نظیر مقام نظریه ارزش ها در علم اقتصاد است» و نظریه کلی تعهدات را می توان به منزله چهارراهی تصور کرد که حل مسائل حقوقی از هر قبیل، مستلزم عبور از آن است و به عقیده «پلانیول» و «ریپر» و «اسمن» نظریه کلی تعهدات هسته مرکزی حقوق خصوصی را تشکیل می دهد زیرا کلیه روابط حقوقی متضمن تعهد است. و تعهدات وابستگی نزدیکی با روابط تجاری و اقتصادی دارد و علیرغم روابط حقوقی عوامل اخلاقی و کلیه رشته های حقوق را کم و بیش تحت تأثیر قرار می دهد به طوری که حقوق تعهدات را می توان ترجمه حقوق روابط اقتصادی و اخلاقی بین مردم دانست.

واژگان کلیدی: تعهد، عقد، قرارداد، طرفین عقد، رابطه حقوقی، سقوط تعهد

بخش اول: کلیات

تعهد از ریشه عهد و از باب تفعل است و در لغت به معنای وصیت، سوگند، غم خواری، قول و پیمان، حفاظت و نگهداری، تیمار داشتن، امان و ذمه، و غیره می‌باشد.^۱ و فقهای اسلامی بیشتر در مباحث مربوط به دین و کفالت تعهد را تحت عنوان التزام به کار برده‌اند.^۲ در زبان انگلیسی به تعهد (Obligation) می‌گویند، این کلمه معانی زیادی دارد که بسته به هر متن یا نوشته تفاوت می‌کند اما معنای عام آن عبارت است از «التزام یک فرد به انجام دادن یا انجام ندادن یک تکلیف قانونی یا تکلیفی که از قرارداد روابط اجتماعی، عطوفت و یا ادب ناشی می‌شود».^۳

بند اول: تعهد در اصطلاح

در هیچ یک از مقررات مدنی و حقوقی ایران تعهد تعریف نشده است اما حقوقدانان تعاریفی از آن بدست داده‌اند که به چند مورد از آنها اشاره می‌شود:

تعهد رابطه اعتباری است بین دو نفر که به یکی، حق مطالبه امری را از دیگری می‌دهد.^۴ عمل بر ذمه گرفتن حقی به نفع غیر را تعهد گویند، یا حق ذمی را نسبت به کسی که آن حق علیه اوست تعهد گویند در همین معنی دین و التزام نیز استعمال شده است، و همچنین آمده تعهد عبارت است از یک رابطه حقوقی که به موجب آن شخص یا اشخاص معین نظر به اقتضاء عقد یا شبه عقد یا جرم یا شبه جرم و یا به حکم قانون ملزم به دادن چیزی یا

۲- معین، فرهنگ فارسی، پیشین، ذیل واژه تعهد- زبیدی، تاج العروس، ذیل واژه عهد

۳- در این مورد ر.ک به: شهید ثانی، مسالک الافهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، ج ۱، چاپ اول، قم، نشر موسسه

المعارف الإسلامية، ۱۴۱۳، کتاب الدین

4-Henry Campbell Black, BLACK'S LAW DICTIONARY. P.1074. Ibid

۱- دکتر امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ج ۱، پیشین، ص ۱۵۸

مكلف به فعل یا ترك عمل معینی به نفع شخص یا اشخاص معینی می شوند.^۱ در جایی دیگر آمده تعهد رابطه حقوقی است که به موجب آن کسی متعهدله نامیده می شود می تواند دیگری را که متعهد خوانده می شود ملزم به امری کند این امر گاه پرداخت پول یا تسلیم مالی است و گاه انجام عمل و یا خودداری از انجام عملی است، متعهدله در مواردی که موضوع تعهد پرداخت پول یا مال باشد دائن و متعهد مدیون نامیده می شود.^۲ تعریف فوق گرچه تعریف دقیقی به نظر می رسد اما تعهد را رابطه حقوقی بین اشخاص دانسته و برای اینکه تصور نشود تعهد وابسته به شخصیت طرفین آن دارد و به اضافه بتواند تعهد جاعل و امضاء کننده سند در وجه حامل را در بر بگیرد بعضی پیشنهاد کرده اند: تعهد وضع حقوقی است که به موجب آن شخصی عهده دار انجام کاری می شود»^۳ به طور کلی می توان گفت تعهد دارای دو معنی مصدری و اسم مفعولی است، در معنی مصدری تعهد عبارت است از به عهده گرفتن عمل یا ترك عملی در برابر دیگری خواه در برابر عوض باشد یا نباشد مانند اینکه کسی در برابر مالک کارخانه ایی متعهد گردد در عوض مبلغ معینی ماشین آلات آن کارخانه را نصب کند و شخصی که عمل یا ترك عملی را به عهده می گیرد متعهد و شخصی که تعهد به سود او می باشد متعهد له و مورد تعهد را اصطلاحاً متعهد به می گویند. تعهد در م ۲۲۱ ق.م به همین معنا به کار رفته است. در معنی اسم مفعولی تعهد عبارت است از وظیفه حقوقی که قانوناً بر عهده شخص متعهد ثابت می شود که در صورت خودداری از انجام آن به تقاضای متعهدله و بوسیله مراجع قضایی ملزم به انجام آن خواهد شد و تعهد در این معنا به وظیفه حقوقی که به اراده شخص بر عهده او قرار می گیرد و نیز به وظیفه ایی که بدون اراده شخص و مستقیماً به حکم قانون ثابت می شود

۲- دکتر جعفری لنگرودی، ترمنولوژی حقوقی، پیشین، ص ۱۶۶

۳- موحّد، محمد علی، مختصر حقوق مدنی، چاپ دوم، انتشارات مدرسه عالی حسابداری و علوم مالی، ۱۳۵۲، ص ۱۹۳

۴- کاتوزیان، اعمال حقوقی (عقد و ایقاع)، پیشین، ص ۳

مانند وظیفه جبران خسارت ناشی از اتلاف مال غیر، اطلاق می‌شود، تعهد در م ۲۲۶ و ۲۲۲ به این معنا به کار برده شده است.^۱ ماده ۱۱۰۱ ق.م.فرانسه به تشریح موضوع تعهد ضمن تعریف عقد اکتفا کرده که تا حدودی از تعریف رومی تعهد اقتباس شده است و مقرر می‌دارد «عقد قراردادی است که یک یا چند نفر، در مقابل یک یا چند نفر دیگر، بدان وسیله بر عهده می‌گیرند چیزی را تأدیه کنند یا کاری را انجام بدهند و یا از انجام کاری خودداری ورزند» ایرادی که بر این ماده از ق.م.فرانسه وارد است این است که منحصر به جهت منفی تعهد توجه کرده در حالی که رابطه حقوقی بین دو نفر در صورتی تعهد محسوب می‌شود که به اعتبار یکی از آن دو دین (بدهکار) و به اعتبار دیگر طلب (طلبکار) باشد، انتقادات دیگری بر ماده مذکور وارد است که از موضوع بحث ما خارج است.^۲ در حقوق انگلیس نیز در تعریف تعهد در اصطلاح حقوقی آورده اند: تعهد یک مفهوم حقوقی است که حکایت از الزام شخصی در برابر دیگری داشته و برای یک طرف حق قابل اجرا (از نظر قانون) و برای طرف دیگر وظایفی را معین می‌کند که بدین طریق آن دو طرف را به هم مرتبط می‌سازد ... در جایی که شخصی به دیگری خسارت یا ضرری وارد می‌آورد ضرر حاصله تعهدی را بوجود می‌آورد که مستلزم حقی برای طرف دیگر و تکلیفی بر عهده وارد آورنده خسارت در پرداخت خسارت خواهد بود.^۳

بند دوم: منابع تعهد (اسباب ایجاد تعهد)

منابع تعهد در نظام های حقوقی دنیا دارای اشتراکات و امتیازاتی است که در اینجا به اسباب ایجاد تعهد در حقوق داخلی و کشور فرانسه و سوئیس و مصر اشاره می‌شود:

۱- دکتر شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، جلد اول، نشر حقوقدانان، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۴۲ و ۴۱

۲- ماده ۱۸۳ ق.م.ا از ماده ۱۱۰۱ ق.م.فرانسه اقتباس شده است.

۳- The Oxford Compenion Law , U.S.A, Oxford university, p. 897

الف-حقوق ایران: اگرچه در ق.م ایران منابع تعهد به طور صریح معین نشده اما با کمی استقراء به خوبی می توان دریافت که از نظر قانونگذار اسباب ایجاد تعهد به دو گروه اصلی تقسیم می شود:

۱-تعهدات ناشی از عقود ۲-الزامات خارج از قرارداد

امتیاز عقد بر سایر منابع ترجیح دارد و در حقوق اسلام نیز بخش مهمی از فقه به عقود و معاملات اختصاص یافته است

ب-حقوق فرانسه: در ق.م فرانسه اسباب ایجاد تعهد به پنج دسته تقسیم شده اند^۱

۱-عقد: در اثر طراضی است که یکی از طرفین در برابر دیگری عهده دار انجام کار یا خودداری از انجام کاری را متعهد می شود و این از مهم ترین منبع تعهد است.

۲-شبه عقد: اعمال ارادی و مشروعی که بدون توافق اشخاص ایجاد دین میکند مثلاً کسی که به عمد یا در اثر اشتباه چیزی را که مستحق نبوده دریافت کند که ملزم است آن را به مالک تسلیم نماید(م ۳۰۱ ق.م)

۳-جرم: عمل نامشروعی که مرتکب به عمد و به قصد اضرار به دیگری انجام می دهد

۴-شبه جرم: اعمال نامشروعی که در اثر بی احتیاطی و بی مبالاتی (تقصیر) مرتکب، خساراتی به بار می آید بدون اینکه مرتکب قصد اضرار به دیگری را داشته باشد

۵-قانون: الزاماتی که به موجب قانون ایجاد می شود مانند الزام به انفاق خویشان

۲-گروهی از نویسندگان حقوق مدنی به تبعیت از حقوق فرانسه منابع تعهد را به پنج دسته تقسیم کرده اند: مانند دکتر شایگان، دکتر امامی، عدل، به نقل از کاتوزیان، نظریه عمومی تعهدات، همان، ص ۷۵ و اعمال حقوقی ص ۴

مولفان جدید حقوق فرانسه به شدت از این تقسیم بندی انتقاد کرده اند به علاوه مبانی این تقسیم با اصول حقوقی ما موافق به نظر نمی رسد

قانون مدنی سوئیس که ریشه رومی ژرمنی دارد منابع تعهد را به سه دسته تقسیم کرده:
۱- تعهدات ناشی از قرارداد ۲- تعهدات ناشی از اعمال نامشروع ۳- تعهدات ناشی از استنباط نامشروع

مزیت این تقسیم بندی این است که به جابجایی نامشروع ثروت به عنوان منبع تعهد توجه کرده است با وجود این تقسیم بندی مذکور خالی از عیب نیست.^۱

در ق.م قدیم مصر در دو ماده ۹۳ و ۱۴۷ ذکر شده بود که تعهدات یا از توافق یا از فعل یا نص قانون ناشی می شود اما در ق.م جدید مصر نص خاصی را که متضمن منابع تعهد باشد ذکر نکرده و به ارائه منابع تعهد در فصول پی در پی اکتفا کرده است به طور کلی قانون جدید مصر پنج منبع برای تعهد ذکر کرده ۱- عقد ۲- اراده یک طرف (ایقاع) ۳- عمل نامشروع ۴- دارا شدن ناروا ۵- قانون

این تقسیم بندی که از مبنای علمی کافی برخوردار نمی باشد و به دلیل ایرادهای وارده بر آن سبب شد که حقوقدانان مصری اسباب ایجاد تعهد را به دو دسته اعمال حقوقی و وقایع حقوقی تقسیم بندی کنند.^۲ این تقسیم بندی اگرچه از لحاظ نظری منطقی است ولی اگر مقصود تمیز اسباب ویژه تعهد باشد فایده لازم را ندارد زیرا اعمال حقوقی شامل عقد و ايقاع است و ذکر ايقاع به عنوان یکی از اسباب ایجاد تعهد این سوال را مطرح می کند که آیا اراده یک طرف به تنهایی برای ایجاد تعهد کافی است؟ بر اساس این نظر عقد نیز به

۱- کالوزیان، نظریه عمومی تعهدات، همان، ص ۹۳ و ۹۲

۲- سنهوری، عبدالرزاق احمد، الوسيط، ترجمه محمد حسین دانش کیا، و سید مهدی دادمهری، جلد اول، چاپ اول،

انتشارات لقمان، ۱۳۷۹، ص ۴۶ و ۴۳

صورت ترکیبی از دو ایقاع مستقل تشکیل می شود در حالی که این اندیشه مورد قبول هیچ حقوقدانی نیست به همین جهت در هیچ یک از قوانین حاکمیت اراده یک تن به عنوان منبع اصلی تعهد پذیرفته نشده است، پس در حقوق کنونی نمی توان ایقاع را از منابع ایجاد تعهد به شمار آورد

در ق.م ما اسباب ایجاد تعهد شامل تعهدات ناشی از عقود و الزامات خارج از عقد می شود این تقسیم بندی در عین سادگی هیچ یک از اشکالات وارده را ندارد و از جهات گوناگون از آن تقسیم بندی ها برتر است

بند سوم: اقسام تعهد

در این قسمت به بررسی تعهدات طرفین قرارداد می پردازیم. می دانیم که در هر قراردادی ممکن است تعهدات مختلفی بر عهده هر یک از طرفین آن قرار گیرد این تعهدات از نظر اهمیت دارای ارزش مساوی نیستند، بلکه برخی از این تعهدات اساسی بوده و برخی دیگر جنبه فرعی دارند مثلاً در عقد بیع تسلیم مبیع یا تأدیه ثمن از تعهدات اصلی عقد خواهد بود، در مقابل شروطی که در ضمن عقد قرار داده شده و تسلیم مبیع را در محل فروشنده مقرر کرده از تعهدات تبعی این عقد خواهد بود. در این قسمت تعهدات حاصل از قرارداد را به تعهد اصلی و تبعی تقسیم کرده و به اختصار هر یک را مورد بررسی قرار می دهیم.

۱- تعهدات اصلی: منظور از تعهدات اصلی تعهدی است که مستقلاً از طرف متعاقدين **مورد** عقد و قرارداد قرار می گیرد.^۱ و همه شرایط اساسی صحت معاملات که در ماده ۱۹۰ ق.م مندرج است در آن موجود می باشد، این تعهد که معامله بخاطر آن منعقد شده

رکن معامله محسوب می‌شود و هدفی است که به طور مستقیم طرفین را به انعقاد قرارداد واداشته است.^۱ در قراردادهای معوض که محور اصلی ما در این نوشته می‌باشد تعهدات اصلی طرفین به عنوان عوض و معوض در قرارداد مطرح می‌شوند به گونه‌ای که رابطه همبستگی بین دو تعهد ایجاد می‌شود و تعهدات غیر اصلی این رابطه جدا هستند و هیچ‌گاه بین تعهدات اصلی و تعهدات تبعی رابطه همبستگی ایجاد نمی‌شود. برای مثال اگر معماری در مقابل مالک زمینی ساخت خانه‌ای را با شرایط مشخص به عهده بگیرد و در مقابل، مالک نیز پرداخت هزینه ساخت را بر عهده بگیرد در این صورت تعهدات اصلی طرفین به ترتیب عبارت خواهند بود از: ساخت خانه و پرداخت هزینه ساخت. در این مثال تعهدات مذکور به طور مستقل مورد قرارداد، قرار گرفته‌اند و التزام‌های اصلی قرارداد می‌باشند که رابطه همبستگی میان آن دو ایجاد می‌شود. از رابطه همبستگی میان دو تعهد نتایج زیر حاصل می‌شود:^۲

اول: اینکه هر یک از طرفین عقد می‌تواند اجرای آنچه را که به عهده دارد موکول به اجرای تعهد متقابل سازد، مثلاً فروشنده تسلیم مبیع را به گرفتن ثمن منوط سازد و خریدار تأدیه ثمن را به قبض مبیع. این حق گروکشی که برای تضمین متقابل دو عوض اندیشیده شده است در اصطلاح حق حبس می‌نامند.^۳

دوم: اینکه اگر حادثه خارجی مانع از اجرای تعهد یکی از دو طرف شود دیگری نیز از آنچه به عهده دارد بری خواهد شد. در این خصوص باید گفت رویه فقهای امامیه بر این بوده که نتایج همبستگی بین دو عوض و از جمله مسئله تلف مبیع قبل از قبض را در بیع که

۲- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، حقوق تعهدات، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۲، ص ۸۲

۱- کاتوزیان، ناصر، عقود معین، ج ۱، همان، ص ۱۸

۲- پیشین، ص ۱۵۳

شایع ترین فرد عقود معوض است بیان کنند به موجب ماده ۳۸۷ ق.م «اگر مبیع قبل از قبض تسلیم بدون تقصیر و اهمال از طرف بایع تلف شود بیع منفسخ و ثمن باید به مشتری تحویل گردد...» با توجه به ماده می توان گفت که در فرضی که امکان انجام تعهد اصلی از ناحیه یکی از طرفین عقد بواسطه حادثه خارجی منتفی گردد اجرای تعهد اصلی طرف مقابل نیز منتفی خواهد بود.

بند چهارم: اقسام تعهد اصلی

تعهدات اصلی طرفین بر حسب هر عقد و قراردادی متفاوت خواهد بود برای مثال در عقد بیع که بارزترین نمونه عقود معوض است تعهدات اصلی فروشنده را می توان تعهد به انتقال مالکیت مبیع ، تعهد به تسلیم مبیع به مشتری و تعهد به عدم تعدی و تفریط در مبیع بیان نمود در مقابل تعهد خریدار به پرداخت ثمن بیع ، تحویل گرفتن مبیع و عدم تعدی و تفریط در ثمن معامله را از تعهدات اصلی نام برده دانست. یا در عقد اجاره تکالیفی که موجد در اثر عقد اجاره پیدا می کند در سه تعهد اصلی خلاصه می شود که عبارت اند از^۱:

۱- تسلیم مورد اجاره

۲- انجام تعمیرات و تحمل مخارج مورد اجاره

۳- خودداری از تغییراتی که با مقصود از استیجار منافی باشد

در سمت مقابل نیز می توان تعهدات زیر را به عنوان تعهدات اصلی حاصل از عقد اجاره نسبت به مستأجر قلمداد کرد. تعهد پرداخت اجاره بها در موعد مقرر، تغییر ندادن منفعت مورد اجاره و نیز خودداری از تعدی و تفریط نسبت به عین مستأجره. بنابراین همچنانکه

ملاحظه می‌گردد بر حسب اینکه عقد و قرارداد ما تفاوت تفاوت می‌کند تعهدات اصلی حاصل از آنها نیز تفاوت خواهد کرد. بنابراین تعهدات اصلی حاصل از قراردادها ثابت نبوده و از عقدی به عقد دیگر تعهدات اصلی حاصل از آن نیز تفاوت خواهد کرد بنظر می‌رسد که احصاء و شمارش تعهدات اصلی حاصل از قراردادها با توجه به تنوع و گوناگونی قراردادها امری بعید می‌باشد. اما آنچه در این قسمت مهم بنظر می‌رسد ارئه معیاری است برای اینکه در هر قراردادی چگونه تعهدات اصلی را در مورد شناسایی قرار دهیم بنظر می‌رسد که برای این امر بایستی قصد طرفین و اهداف اساسی آنها از انعقاد قرارداد و اوضاع و احوال پیرامون قرارداد و عرف معاملاتی در زمینه قراردادی خاص را باید از عوامل اساسی تشخیص تعهدات اصلی مدنظر قرار دهیم.

بند پنجم: تعهدات تبعی

تعهد تبعی تعهدی است که در حدوث خود از تعهد دیگری که تعهد اصلی است پیروی می‌کند.^۱ این تعهد از جهت انشاء استقلالی ندارد به این معنی که بر خلاف عقد اصلی مستقلا انشاء نمی‌شود بلکه در مرحله پیدایش تابع قرارداد اصلی است که تعهد نیز ضمن آن مندرج گردیده است. بنابراین تعهدات تبعی خارج از ارکان عقد بوده در حقیقت از قرارداد اصلی کسب اعتبار و نفوذ می‌کنند. از جمله مهم ترین تعهدات فرعی که در قانون مدنی به طور مشخص مورد توجه قرار گرفته اند، شروط ضمن عقد می‌باشند این شروط سه قسم می‌باشند: ۱- شرط نتیجه ۲- شرط صفت ۳- شرط فعل.

- شرط صفت: شرط صفت شرطی است که موضوع آن صفتی از اوصاف مورد معامله می‌باشد که این مورد معامله یک عین خارجی است. بنابر این در مورد شرط صفت دو

۱- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، حقوق تعهدات، همان، ذیل بحث تعهدات تبعی

نکته بایستی مورد توجه باشد. اول اینکه مورد معامله بایستی معین باشد دوم اینکه شرط راجع به صفتی از صفات مورد معامله باشد مثل اینکه خریدار زمینی را به شرط آنکه دارای ۵۰ متر عرض و ۱۰۰ متر طول باشد خریداری کند. در این مثال مبیع عین خارجی است و موضوع شرط مساحت است که از اوصاف کمی زمین است.^۱ مطابق ماده ۲۳۴ ق.م «شرط صفت عبارت است از راجع به کیفیت یا کمیت مورد معامله» مراد از شرط راجع به کیفیت شرطی است که موضوع آن وصفی از اوصاف و عوارض مورد معامله است مثل شرط راجع به جنس، رنگ، بو و ... و مراد از شرط راجع به کمیت شرطی است که موضوع آن مقدار مورد معامله از حیث مساحت، وزن و عدد می باشد. در مورد شرط راجع به کمیت باید گفت که قید مقدار در مورد معامله به دو صورت انجام می گیرد، اول اینکه قید مقدار فقط به عنوان وصف مورد معامله است مثل اینکه یک اسب ترکمن مورد معامله قرار گیرد به شرط آنکه ۲۰۰ کیلو باشد.

دوم اینکه شرط علاوه بر جنبه وصفی مقدار مورد معامله را نیز مشخص کند مثل اینکه شخص کومه گندمی را یک صد هزار تومان بفروشد به شرط اینکه ۱۰۰۰ کیلو باشد.^۲ در مثال ذکر شده شرط ۱۰۰۰ کیلو بودن علاوه بر اینکه جنبه وصفی دارد جنبه مقداری نیز دارد یعنی میزان تعهد فروشند را نیز مشخص می کند.

- شرط نتیجه: منظور از شرط نتیجه، شرطی است که مورد آن مقتضی یکی از عقود باشد^۳ مثل اینکه در بیع خانه ای شرط شود که خریدار وکیل فروشنده در بیع اتومبیل وی

۲- امامی، شید حسن، حقوق مدنی، همان، ص ۲۸۴

۱- انصاری، شیخ مرتضی، ج ۶، تبریز، چاپ سنگی، ۱۳۷۰، ص ۶۳ به بعد

۲- امامی، سید حسن، ج ۱، همان، ص ۲۷۸؛ صفایی، سید حسن، قواعد عمومی قرارداد، تهران، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۳، ص ۱۹۳

باشد. همچنان که ملاحظه می‌شود در این مثال مقتضی عقد وکالت به صورت شرط نتیجه در ضمن عقد بیع درج گردیده است به طوری که با تحقق بیع خریدار وکیل فروشنده نیز می‌گردد. این است که ماده ۲۳۶ ق.م.بیان میکند: «شرط نتیجه در صورتی که حصول آن نتیجه موقوف به سبب خاصی نباشد آن نتیجه به نفس اشتراط حاصل می‌شود.»

- شرط فعل: به موجب ماده ۲۳۴ ق.م. «شرط فعل آن است که اقدام یا عدم اقدام به فعلی بر یکی از متعاملین یا بر شخص خارجی شرط شود.» بر طبق این ماده شرط فعل بر دو قسم است:

الف- شرط فعل مثبت: مثل اینکه در عقد بیع خانه ای فروشنده تعهد نماید که ظرف مدت دو ماه خانه را تعمیر نماید یا اینکه در حیات آن حوض آبی بسازد.

ب- شرط فعل منفی: مثل اینکه مشروط علیه متعهد شود که از انجام عملی خودداری کند که این امتناع می‌تواند برای یک مدت محدود باشد یا برای یک مدت مستمر. برای مدت محدود، مثل اینکه موجر به هنگام اجاره دادن مغازه خود به مستأجر تعهد کند که مغازه مجاور آن مغازه را که ملک اوست برای دو سال به شغل مشابه اجاره ندهد. برای مدت مستمر هم مثل اینکه شخصی اتومبیل خود را به همسایه بفروشد به شرط آنکه همسایه سر نیز خود را که بواسطه تعمیرات برداشته مجدداً روی دیوار ملک فروشنده نگذارد. (م ۱۲۴ ق.م)

بخش دوم: اقسام تعهد با نگاهی به حقوق انگلیس

در نظام حقوقی انگلیس تعهدات ناشی از قرارداد را به تعهدات اساسی و غیر اساسی

تقسیم کرد که به اختصار بررسی می‌کنیم.

بند اول: تعهدات اساسی

از این تعهدات در نظام حقوقی انگلیس به عنوان شروط اساسی^۱ یا شروط بنیادی نام برده می شود. در این نظام حقوقی شروط خاصی هستند که نقض آنها به منزله عدم اجرای کامل یک قرارداد می باشد. این شروط اساسی از شروط تضمینی و شروط های مهم تر از آن نیز بنیادی تر هستند و هسته اصلی قرارداد را تشکیل می دهند و به این دلیل شروط معافیت مندرج در قرارداد نمی توانند آنها را تحت تأثیر قرار دهند. به عبارت دیگر اگر در یک قراردادی شرط معافیت هم مهم باشد بار مسئولیت نسبت به نقض اساسی وجود خواهد داشت و این مسئولیت تحت پوشش معافیت قرار نخواهد گرفت. برای مثال اگر قراردادی برای فروش کنده درخت ماهون منعقد گردد تعهد به تحویل کنده ساخته شده از درخت ماهون شرط اساسی قرارداد است و اگر کنده درخت کاج به جای آن تسلیم شود یک عدم اجرای کامل محقق گردیده که هیچ شرط استثناء یا معافیتی نمی تواند آن را تحت تأثیر قرار دهد. هیچ یک از طرفین در یک قرارداد نمی تواند خود را از مسئولیت ناشی از نقض اساسی معاف کند و طرف قرارداد می تواند فقط در زمانی که به تعهدات خود مطابق با قرارداد عمل کرده ، از حمایت شرط معافیت بهره مند گردد نه در زمانی که از قرارداد خود تخلفی کرده است و تخلفی مرتکب شده است که به ریشه و اساس قرارداد لطمه وارد می سازد. از این رو برای مثال اگر افرادی که مسئول قسمت انبار راه آهن هستند به افراد غیر مجاز اجازه دهند که وارد آنجا شده و چمدان ودیعه گذار را بدون برگ تودیع به انبار بردارند این امر یک نقض اساسی است و راه آهن نیز بوسیله ی شروط معافیتی که چنین ضرر یا تسلیم ناشایستی را مقرر می کند مورد حمایت نخواهد بود. با وجود اینکه ممکن

^۱ -Fundamental terms.

است در قرارداد شروط محدودکننده یا توسعه دهنده مسئولیت طرفین وجود داشته باشد اما این شروط نمی توانند مسئولیت ناشی از نقض بنیادی را از بین ببرند.^۱

بند دوم: تعهدات تبعی (غیر اساسی) در حقوق انگلیس

در این قسمت نیز همچنانکه در نظام حقوقی کشور ما یک قسمت مهم از تعهدات تبعی را تحت عنوان شروط ضمن عقد مورد بررسی قرار دهیم این بحث را در حقوق انگلیس نیز در قالب شروط ضمن عقد مورد بررسی قرار می دهیم تا به آنچه هدف ما از بررسی این تعهدات است برسیم. در این نظام حقوقی شروط ضمن عقد در یک شیوه که در قانون بیع کالای انگلیس مصوب ۱۹۷۹ منعکس است به دو دسته شروط مهم^۲ یا غیرمهم^۳ (یا شروط اصلی و فرعی) تقسیم بندی شده اند. این شروط می توانند صریح یا ضمنی باشند که مراد از شروط صریح آن شروطی است که توسط طرفین قرارداد به صراحت در آن گنجانده می شوند^۴ و در حالی که شروط تلویحی (ضمنی) بوسیله طرفین یا دادگاه و یا توسط قوانین و مقررات در قراردادها گنجانده می شوند. هر گاه یکی از این شروط مورد نقض واقع شود شیوه دادگاه برای کشف اینکه شروط از کدام نوع بوده اند از ماهیت قرارداد، قصد ابراز شده ای طرفین و یا آثار نقض بدست می آید.^۵ در این قسمت به بررسی شروط ضمن عقد طبق قانون ذکر شده می پردازیم. در نظام حقوقی انگلیس یک شط مهم به عنوان یک تعهد یا اظهار یک حقیقت تعریف می شود که شرط اساسی قرارداد را تشکیل می دهد. در معنای معمول یا شرط مهم، تعهدی اساسی است که در یک قرارداد یکی از طرفین متعهد

^۱ - J. BEATSON. Q. C ,Anson's Law of contract, op. cit , p. 170 .

^۲ Condition

^۳ -Warranty

^۴ STEPHAN JUDGE , Business Law , op, sit . p 77 .

^۵ -J BEATSON , Law of contract , op , sit , p 132

می شود که به خوبی آن را انجام می دهد. مثالی از اظهار حقیقت که یک شرط اصلی در قرارداد را تشکیل می دهد. موردی است که در قرارداد اجاره ی کشتی اظهار می شود کشتی که در کدام بندر است. یعنی در حین انعقاد قرارداد اجاره ، اظهار این مطلب که کشتی در چه محلی مستقر است به عنوان شرط مهم تلقی شده است مانند اینکه در حین ، عقد اجاره کشتی به عنوان شرط اظهار شود که کشتی در بندر آمستردام است که این امر یعنی در بندر آمستردام بودن به عنوان اظهار یک حقیقت که شرط مهمی باشد تلقی شده است، نمونه ای از تعهد هم که به عنوان شرط مهم تلقی شده است موردی است که تعهد می شود که کشتی تا موعد معینی جهت بارگیری به بندر ارسال می گردد ولی در موعد معین ارسال کشتی به عمل نیامده و مثلاً چند روز بعد از موعد کشتی ارسال شود که در این مورد نیز تعهد به ارسال کشتی جهت بارگیری تا موعد معین به عنوان یک شرط مهم می باشد. در قانون بیع انگلیس^۱ نیز نمونه های از شرط مهم آمده است که دو نمونه در زیر آورده می شود.

اول) در مورد کالای که با توصیف مبادله می شود مطابق ماده ۱۳ قانون مذکور کالا باید با توصیف به عمل آمده در قرارداد منطبق باشد این شرط ضمنی از جمله ی شروط مهم می باشد. با این وجود زمانی این شرط اعمال می شود که خریدار به این توصیف اتکا کرده باشد^۲ و چنانچه خریدار به آن وصف اتکا نکرده باشد مثل اینکه خود کالا را پسندیده و خریداری کرده باشد این قاعده اعمال نمی شود.

دوم) طبق بند دوم از ماده ۱۴ قانون بیع کالای انگلیس ، در بیع های تجاری یا آنجا که فروشنده در روند تجارت خود معاملاتی را منعقد می کند این شرط ضمنی وجود دارد که

^۱ Sale of Goods Act (1979)

۳- هنری ریاض ، ترجمه شرح قانون بیع کالای انگلیس ، بیروت ، دارالجل ، چاپ اول ، ۱۴۱۳ قمری ، ص ۲۲۴

کالا دارای کیفیت تجاری می باشد این شرط نیز جزو شروط مهم محسوب می شود و زمانی قابل اعمال است که فروشنده بوسیله اعلام عیوب کالاها آن را استثناء نکرده باشد و یا اینکه خریدار کالا را بدون بررسی آنها خریداری کرده باشد^۱. لیکن اگر خریدار کالاها را بررسی نموده به نحوی که عیب موجود در کالا بوسیله آن بررسی می بایست روشن می گردید در این صورت این شرط منتفی خواهد بود.

- شرط غیر مهم^۲ (فرعی): این شرط برخلاف شرط مهم جنبه اساسی ندارد بلکه نسبت به آن شرط از اهمیت کمتری برخوردار است یک شرط غیر مهم اظهار صریح یا ضمنی امری است که یک طرف تعهد می کند که آن امر قسمتی از تعهد باشد با ملاحظه اینکه آن قسمت از قرارداد نسبت به هدف اصلی قرارداد، جنبه فرعی دارد.^۳ در تعریف دیگری گفته شده است که معنی واقعی شرط غیر مهم در حقوق انگلیس توافقی است که به مورد معامله در یک قرارداد اشاره دارد اما می توان گفت به خودی خود یا به موجب قرارداد قسمت اساسی یک قرارداد نیست و نسبت به هدف اصلی قرارداد جنبه فرعی دارد. در فرضی که خریدار به اظهار فروشنده اتومبیل مبنی بر اینکه مدت خدمات بعد از فروش آن دو سال خواهد بود اعتماد می کند و بعد از معامله خلاف بودن اظهار فروشنده (که به صورت شرط بیان شده) مشخص می شود و معلوم می گردد این مدت ۱۸ ماه بوده، نقض یک شرط غیر مهم رخ داده است. یا در فرضی که کالایی خریداری می شود با اعتماد بر اظهار فروشنده مبنی بر اینکه کالا تا مدت معینی ضمانت شده است مثلاً تا یک سال عیوب ناشی از استعمال متعارف کالایی توسط تولید کننده تحت پوشش قرار گرفته و بعداً معلوم شود که این مدت نه ماه بوده و باز هم چنین شرطی یک شرط غیر مهم می باشد.

² - Warranty

³ - J. BEATSON, Anson's Law of contract, op. cit, p 136

بخش سوم: اقسام تعهد در حقوق آمریکا

در این قسمت به بررسی حقوق آمریکا در خصوص تعهدات قراردادی می پردازیم همچنان که می دانیم در یک قرارداد تعهدات مختلفی ممکن است وجود داشته باشد که از این تعهدات بخشی به عنوان تعهدات اصلی و بقیه تعهدات فرعی می باشند در بررسی تعهدات طرفین قرارداد در نظام حقوقی آمریکا این بحث را با توجه به قانون متحد الشکل تجاری^۱ به عمل خواهیم آورد. در بخش مربوط به تعهدات اصلی طرفین به تعهدات کلی طرفین که در ماده ۲/۳۰۱ کد تجاری مذکور منعکس است می پردازیم چرا که تعهدات اصلی هر یک از خریدار و فروشنده در یک قرارداد بیع در آن بیان گردیده است.^۲ و در بخش مربوط به تعهدات فرعی به شروط ضمنی مورد بحث در قانون تجاری مذکور خواهیم پرداخت.

بند اول: تعهد اصلی

می دانیم که مهم ترین تعهد فروشنده در یک قرارداد بیع انتقال مالکیت کالای مورد معامله است. در مقابل ایت تعهد فروشنده ، خریدار نیز تعهدی در سمت مقابل آن بر عهده دارد و این تعهد عبارت از این است که ثمن کالای مورد معامله را به فروشنده پرداخت نماید. همچنین تعهد اصلی دیگر فروشنده در قرارداد بیع عبارت است از اینکه کالایی را که مالکیت آن را منتقل نموده به خریدار تسلیم نماید. در مقابل خریدار نیز مکلف است که کالاهایی را که فروشنده برای او ارسال کرده است تحویل گرفته و ثمن آنها را به فروشنده تسلیم نماید. این تعهدات در قرارداد بیع از تعهدات اساسی خریدار و فروشنده می

^۱ -UNIFORM COMMERCIAL CODE

^۲ -General obligation of parties The obligation of the seller is to transfer and deliver and that of the buyer is to accept and pay in accordance with contract.

باشد. برای مثال در فرضی که یک خریدار ایرانی کالایی را از یک تاجر آمریکایی خریداری می‌کند مثل اینکه یکصد دستگاه یخچال جنرال را از تاجر آمریکایی می‌خرد در این مثال تعهدات تاجر آمریکایی که از تعهدات اصلی او محسوب می‌شوند عبارت است از اینکه اولاً مالکیت کالاهای مذکور را به خریدار ایرانی منتقل کند. ثانیاً کالاهای فروخته شده را طبق شرایط مقرر بین طرفین تسلیم خریدار نماید. خریدار نیز متعهد است که ثمن مقرر بین طرفین را بر طبق توافق پرداخت نموده و به موقع طبق ترتیبی که معین شده کالاهای خریداری شده را تحویل بگیرد. ماده ۲/۳۰۱ قانون متحدالشکل تجاری در این مورد مقرر می‌دارد: «تعهد فروشنده عبارت است از انتقال مالکیت و تحویل کالاها و تعهد خریدار عبارت است از اینکه کالاها را قبول کرده و طبق قرارداد قیمت آنها را بپردازد»

بند دوم: تعهدات فرعی

در این بخش به بررسی شروطی که در ضمن قرارداد می‌آیند می‌پردازیم و این بررسی را در نظام حقوقی آمریکا با توجه به قانون متحدالشکل تجاری آن کشور ادامه می‌دهیم. طبق قانون مذکور فروشنده می‌تواند از شروط فرعی در قراردادها استفاده کند که مهم‌ترین این شروط عبارت‌اند از:

۱- شرط فرعی صریح ۲- شرط فرعی ضمنی قابلیت بازرگانی ۳- شرط مناسب بودن برای هدف خاص^۱

در این قسمت شروط مذکور را به ترتیب مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف) شروط فرعی صریح

^۱ - www.lawspirit.Spirit. Com

شرط صریح عبارت است از تعهد روشن و نه تلویحی و با ضمانت این امر توسط فروشنده که کالای کیفیت به خصوصی را خواهد داشت. بند الف قسمت یک ماده ۲/۲۳۱ قانون متحد الشکل تجاری مقرر می‌دارد: «هر گونه تأیید امر موضوعی یا تعهد فروشنده در مقابل خریدار که مربوط به کالاها بوده و بخشی از اساس معامله است، شرط غیر مهم صریحی ایجاد می‌کند که کالاها مطابق با این تأیید یا تعهد خواهند بود.»

شروط فرعی صحیح می‌توانند به اشکال زیر در قرارداد مورد تعهد قرار گیرند.^۱

الف) وصف و بیان اوصاف کالا می‌تواند یک شرط صریح باشد. مثلاً صورت حساب فروش صادر شده توسط جواهر فروش به خریدار حاوی عبارت زیر است:

«سه حلقه طلای سفید تمام عیار» ایت عبارت در بر گیرنده این شرط صریح می‌باشد که حلقه از طلای سفید با خصوصیات فوق می‌باشد.

ب) اگر خریدار مدل یا نمونه ای را نشان دهد این امر معمولاً به منزله شرط صریح خواهد بود که بقیه کالاها مطابق با مدل یا نمونه باشند.

ج) اغراق کردن؛ اگر فروشنده به وضوح اغراق کند یا اینکه عقیده ی خودش را به صراحت بیان کند در این صورت حکم نمی‌شود که او شرط صریحی را در قرارداد قرار داده است. برای مثال اظهار فروشنده یک ماشین دست دوم مبنی بر اینکه این ماشین دست اول است صرف اغراق است نه اینکه شرط صریح، اما اگر چنین بیان شود که این ماشین در ۳۰ مایل رانندگی شهری یک گالن مصرف دارد این امر به منزله یک شرط صریح می‌باشد.

ب) شرط ضمنی قابلیت بازرگانی^۱

^۱ -Ibid

در مورد این شرط باید گفت مهم ترین شرط غیر مهم مقرر شده در قانون متحد الشکل تجاری شرط ضمنی قابلیت بازرگانی است. بخش اول ماده ۲/۳۱۴ قانون مذکور بیان می کند: «جز در مورد استثنا یا اصلاح چنین شرطی در صورتی که فروشنده، تاجر نوع به خصوصی از کالا باشد، این شرط ضمنی در خصوص کالاهای مورد معامله وجود دارد که آنها دارای قابلیت بازرگانی می باشند.»

نتیجه گیری

همانطور که ملاحظه می شود در مواردی که در عقود معاوضی یکی از متعاقدين از اجرای تعهدات اصلی خود امتناع می کند قانونگذار ما در قواعد عمومی معاملات حق فسخ قرارداد را برای طرف متضرر پیش بینی نکرده است و آنچه به عنوان ضمانت اجرای نقض تعهدات اصلی در عمل اعمال می گردد همان ضمانت اجرای مقرر در مورد شرط فعل مندرج در مواد ۲۳۷ تا ۲۳۹ قانون مدنی است. که گفتیم این مواد مبتنی بر فقه امامیه بوده و قانونگذار در این قسمت یکی از دو قول مشهور در فقه امامیه را مورد پذیرش قرار داده است قوی که ابتدا اجبار متعهد را مقرر می دارد و در صورت تعذر اجبار حق فسخ را به طرف مقابل می دهد. اما در کنار این نظر نظریه دیگری نیز وجود دارد که متعهدله را مختار در فسخ یا اجبار به قرارداد می داند طبق قول اخیر که فقهای بزرگی در فقه امامیه از جمله مرحوم شیخ طوسی و علامه حلی و محقق کرکی و ... به آن معتقدند در فرضی که مشروط علیه امتناع از اجرای شرط (تعهد) می کند ضروری متوجه مشروط له می شود که به او اجازه می دهد یا قرارداد را فسخ کند یا اینکه اجبار متعهد را بخواهد بنابراین باید بگوییم که در فقه امامیه بر خلاف نظام های حقوقی مورد بحث سابقه امکان فسخ به قرن ها پیش برمی گردد در حالی که این امکان در نظام های حقوقی مذکور بعد از سالها منازعه و اختلاف مورد شناسایی قرار گرفته و شاید سابقه آن به یک قرن هم نرسد. نظریه اخیر

¹ -Merchantability

امروزه در خور تعمق و عملی تر بوده و با واقعیات اجتماعی سازگارتر است زیرا وقتی یکی از طرفین معامله به تعهد خویش عمل نمی کند در این صورت عرف طرف دیگر را ملزم به انجام تعهد خود و وفای به عهد نمی داند. این شیوه اخیر که سابقه طولانی در فقه امامیه دارد بنظر می رسد که امروزه بهتر می تواند از طرف متضرر در مقابل طرف متخلف حمایت کند چرا که طرف متضرر را مخیر بین فسخ و اجبار به قرارداد می داند^۱. بنابراین حسب مورد متضرر می تواند هر کدام را که برای جبران ضرر خود مناسب می داند به کار ببندد. این حق فسخ که از تخلف متعهد از انجام تعهد اصلی ناشی شده در خیارات ده گانه قانون مدنی به آن اشاره ای نشده اما مبنای آن همانند ئیگر خیارات برای جلوگیری از ورود ضرر به متعهدله و اعمال قاعده لاضرر می باشد. همچنانکه در بخش های قبلی این نوشته ملاحظه کردیم در هر دو نظام حقوقی انگلیس و آمریکا^۲ نیز حق فسخ قرارداد در صورت نقض تعهد اصلی برای طرف متضرر پیش بینی شده است. حتی در این نظام های حقوقی در خصوص پاره ای از شروط ضمن عقد که از آنها به عنوان شرط مهم یاد می شود نیز در صورت نقض تعهد موضوع شرط، حق فسخ را به مشروط له خواهد داد^۳. این امر نشانگر این می باشد که حق فسخ قرارداد در صورت نقض تعهد اصلی در حقوق کامن لا پذیرفته شده است.

علاوه بر قوانین و مقررات کشورهای مذکور سیر تدوین قواعد و مقررات بین المللی در زمینه قراردادها در سه دهه اخیر نیز نشان می دهد که حق فسخ قرارداد در صورت تخلف در تعهد اصلی امری است مسلم که به روشنی در دو مجموعه قانونی کنوانسیون بیع بین المللی ۱۹۸۰ ، و اصول حقوق قرارداد اروپا (۱۹۹۸) مورد تصریح قرار گرفته است به طوری که می توان گفت که حق فسخ قرارداد در صورت تخلف در تعهد اصلی در عرصه

۱- برخی از فقهای معاصر در مورد تعهدات اصلی حاصل از عقد نیز این اختیار را برای متعهد له بعید ندانسته اند.

^۲ -UNIFORM COMMERCIAL CODE : Article 2/703 and 2/711

^۳ -Sales of goods act 1979t Article 11 (3)

حقوقی بین الملل امری است که بدون هیچ تردید پذیرفته شده است. حتی همچنانکه ملاحظه شد این مجموعه‌های قانونی اخیر حتی امکان فسخ قرارداد را در صورتی که نقض اساسی قابل پیش بینی هم باشد مورد تصریح قرار داده‌اند و از آنجایی که یکی از کاربردهای مهم این سه مجموعه‌های این بوده که به عنوان نمونه‌ای برای تدوین قواعد و مقررات به ویژه در عرصه بیع کالاهای مورد استفاده مقنین در کشورهای عضو قرار گیرد و از طرفی به نظر می‌رسد که نیازهای اقتصادی و مقتضیات تجاری روزگار کنونی ایجاب می‌کند که حتی در فرضی که عدم امکان اجرای تعهدات اصلی قابل پیش بینی است حق فسخ قرارداد برای طرف مقابل پیش بینی شود. لذا اقدام قانونگذار کشور ما مبنی بر شناسایی حق فسخ قرارداد برای طرف متضرر در هر دو فرض تخلف در تعهد اصلی واقع شده و قابل پیش بینی برای حمایت از وی همچنانکه در نظام‌های حقوقی پیش رفته دنیا مقرر شده، ضروری می‌باشد. اعطای حق فسخ برای طرف متضرر در صورت تخلف در تعهد اصلی امری نیست که در فقه امامیه سابقه نداشته باشد بلکه باید گفت سابقه امکان فسخ در صورت تخلف در تعهد اصلی در فقه امامیه به مراتب بسیار بیشتر از نظام‌های حقوقی کامن‌لا و رومی ژرمنی می‌باشد بنابراین نظر به اینکه اولاً: دادن حق فسخ قرارداد برای طرف مقابل در صورت نقض تعهد اصلی مخالف با شرع نمی‌باشد بلکه کاملاً مطابق با آن است.

و ثانیاً اینکه اعطای چنین حقی به نحو شایسته اجرای قاعده لاضرر را تأمین می‌نماید و ثالثاً اینکه دادن چنین حقی موجب می‌شود که عدم هماهنگی موجود در قانون داخلی با قواعد و مقررات بین المللی در زمینه قراردادها مرتفع شده و قواعد داخلی با مقررات بین المللی هماهنگ باشند.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- ۱- اخلاقی ، بهروز ، اصول قراردادهای تجاری بین المللی ، تهران ، موسسه شهر دانش ، چاپ اول ، ۱۳۷۹
- ۲- امامی ، سید حسن ، حقوق مدنی ، کتابفروشی اسلامیة ، جلد اول و دوم ، چاپ ششم ، ۱۳۶۶ ،
- ۳- جعفری لنگرودی ، سید محمد جعفر ، دایرة المعارف حقوق مدنی و تجارت ، چاپخانه مشعل آزادی ، بنیاد راستا ، جلد اول ، چاپ اول ، ۱۳۷۵
- ۴- جعفری لنگرودی ، سید محمد جعفر ، حقوق تعهدات ، تهران ، انتشارات دانشگاه تهران ، ۱۳۶۳
- ۵- جعفری لنگرودی ، سید محمد جعفر ، مبسوط در ترمینولوژی حقوق ، کتابخانه گنج دانش ، جلد سوم ، چاپ اول ، ۱۳۷۸
- ۶- جعفری لنگرودی ، سید محمد جعفر ، مقدمه عمومی علم حقوق ، کتابخانه گنج دانش ، چاپ سوم ، ۱۳۷۱
- ۷- داراب پور ، سهراب ، تفسیری بر حقوق بین المللی ، کتابخانه گنج دانش ، جلد دوم ، چاپ اول ، ۱۳۷۴
- ۸- دهخدا ، علی اکبر ، لغت نامه دهخدا ، انتشارات دانشگاه تهران ، چاپ اول ، ۱۳۷۳
- ۹- سماواتی ، حشمت ا. ، حقوق معاملات بین المللی ، تهران ، انتشارات ققنوس ، چاپ اول ، ۱۳۷۷

- ۱۰-سوره ، توماس ، فرهنگ اصطلاحات اقتصادی و اجتماعی ، ترجمه خلیل ملکی ، انتشارات رواق ، چاپ دوم ، ۱۳۵۸
- ۱۱-شهیدی ، مهدی ، تشکیل قراردادها و تعهدات ، نشر حقوقدان ، جلد اول ، چاپ اول ، ۱۳۷۷ ،
- ۱۲-شهیدی ، مهدی ، اصول قراردادها و تعهدات ، تهران ، انتشارات مجد ، ۱۳۸۲
- ۱۳-شهیدی ، مهدی ، سقوط تعهدات ، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی ، چاپ اول ، ۱۳۶۸
- ۱۴-شهیدی ، مهدی ، تعهدات ، تهران ، نشر میزان ، ۱۳۸۱
- ۱۵-شمس ، عبا... ، حقوق مدنی ۳ ، تهران ، دانشگاه شهید بهشتی ، ۱۳۸۱
- ۱۶-شیروی ، عبدالحسین ، فسخ قرارداد در صورت امتناع متعهد ، قم ، مجتمع آموزش عالی ، ۱۳۷۷
- ۱۷-صفایی ، سید حسین ، قواعد عمومی قراردادها ، تهران ، نشر میزان ، چاپ دوم ، ۱۳۸۲
- ۱۸-صفایی ، سید حسین ، تفسیر قراردادها در نظام حقوقی معاصر ، قم ، انتشارات تبلیغات اسلامی ، ۱۳۷۸
- ۱۹-عمید ، حسن ، فرهنگ فارسی عمید ، مؤسسه انتشارات امیرکبیر ، چاپ هفدهم ، ۱۳۶۱
- ۲۰-قنوتی ، جلیل ، حقوق قراردادها در فقه امامیه ، انتشارات سمت ، چاپ اول ، ۱۳۷۹

۲۱- قائم مقامی ، امیر ، حقوق تعهدات ، نشر میزان ، جلد اول ، ۱۳۷۸

۲۲- کاتوزیان ، ناصر ، تحولات حقوق خصوصی ، تهران ، انتشارات دانشگاه تهران ،

۱۳۷۴

۲۳- کاتوزیان ، ناصر ، عقود معین ، تهران ، شرکت بهمن با همکاری نشر برنا ، جلد اول

، ۱۳۷۸

۲۴- کاتوزیان ، ناصر ، ضمان قهری ، تهران ، انتشارات دانشگاه تهران ، ۱۳۷۲

۲۵- کاتوزیان ، ناصر ، قواعد عمومی قراردادها ، تهران ، جلد اول تا پنجم، شرکت بهمن

با همکاری نشر برنا ، ۱۳۸۰

ب) منابع عربی

۱- آخوند خراسانی ، محمد کاظم ، حاشیه علی المکاسب ، تهران ، وزارت ارشاد

اسلامی ، ۱۴۰۶

۲- ابن منظور ، محمد ، اسان العرب ، بیروت ، دارالاحیاء ، ۱۴۰۸

۳- الزحیلی ، وهبه ، الفقه اسلامی و ادلته ، دمشق ، دارالفکر ، بی تا

۴- السنهوری ، عبدالرزاق ، الوسیط فی شرح القانون المدنی ، بیروت ، مؤسسه الاعلمی

للمطبوعات

۵- المصری ، محمد محمود ، الفسخ و الانفساخ و التفاسخ ، اسکندریه ، منشاء المعارف ،

۱۹۹۴

۶- انصاری ، شیخ مرتضی ، المکاسب ، تبریز ، چاپ سنگی ، ۱۳۷۰

- ۷- بجنوردی، محمد حسن، القواعد الفقهیه، قم، نشر ميعاد، چاپ دوم، ۱۳۷۲
- ۸- بحر العلوم، سید محمد تقی، حاشیه بر بلغه الفقیه، تهران، مکتب الصادق، ۱۴۰۴
- ۹- بحرانی، شیخ یوسف، حدائق الناظره، قم، مؤسسه نشر اسلامی، بی تا
- ۱۰- پایانی، احمد، تعلیق علی المکاسب، قم، دارالحکمه، ۱۳۷۹
- ۱۱- حسینی شیرازی، سید محمد حسین، الفقه، بیروت، دارالعلوم، جلد سوم، چاپ دوم، ۱۴۱۴
- ۱۲- حلی، علامه، تذکره الفقها، قم، مؤسسه آل البيت (ع) الاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۲۰
- ۱۳- حلی، علامه، قواعد الاحکام، قم، مؤسسه نشر اسلامی، جلد دوم، چاپ اول، ۱۴۱۸